



مادر طبیعت!



درخت‌ها در شهرها، نماد بخشش‌اند؛ آلودگی‌ها و پلشتی‌های شهرها را می‌گیرند و هوای تازه و طراوت را به شهروندان می‌بخشند، آن‌هم بی چشمداشت!

و این سبزه‌های همیشه ایستاده در حفظ تعادل زیستی و پایداری محیط‌زیست شهری نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کنند.

درختان، چون مادری مهربانند و حتی برای گونه‌های جانوری، پرندگان شهری، حشرات و پستانداران کوچک نیز مادری می‌کنند. حتی همین برگ‌هایی که مثل این روزها از درختان جدا می‌شوند، خاک را حاصلخیز می‌کنند و چرخه مواد آلی را در خاک غنی می‌سازند.

شاید به‌خاطر همین رفتارهای مادرانه، امسال هم‌زمان با میلاد با سعادت حضرت زهر(س) و روز بزرگداشت مقام مادر، پویش «در سایه مادر» به همت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری برپا شد و شاهد کاشت نهال در بعضی بوستان‌ها در تهران و شهرستان‌ها بودیم. در بوستان یاس فاطمی تهران هم شهروندان در این طرح شرکت کردند و در هوای ابری و بارانی این روزهای تهران، درخت کاشتند تا به مسئولیت شهروندی و انسانی خود عمل کنند.

ترجمه‌پرداز، مدیرکل دفتر آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری با اشاره به این طرح گفت که پویش «در سایه مادر» به‌عنوان نهمین همایش از سلسله پویش‌های سال ۱۴۰۴، در چارچوب اجرای طرح کاشت یک میلیارد درخت طراحی و اجرا شده که همه نهال‌ها از گونه‌های سازگار با اقلیم تهران است. همچنین در این طرح آموزش‌های کاربردی در محله‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی هم ارائه می‌شود تا نهال‌های کاشته‌شده در طول زمان به درختانی مقاوم تبدیل شوند.

گوش چپ روی پای راست!



در استان شاندونگ چین، زن کارگری دچار سانحه‌ای نادر و تکان‌دهنده شد. برای آن حادثه‌ای پیش آمد که منجر به جدا شدن گوش چپ، پخشی از پوست سر و صورتش شد. این حادثه زمانی رخ داد که موی او در دستگاه صنعتی گیر کرد و باعث آسیب شدید فیزیکی او شد. با آنکه جان او در خطر نبود، اما برای بازسازی چهره‌اش به جراحی‌های پیچیده‌ای نیاز داشت، از جمله پیوند مجدد گوش.

پزشکان پس از بررسی آسیب، دریافتند که به‌دلیل تخریب رگ‌های خونی اطراف گوش، امکان پیوند فوری آن وجود ندارد. برای حفظ بافت گوش و آماده‌سازی آن برای پیوند نهایی، تصمیم گرفتند آن را روی پای زن پیوند بزنند. دلیل این انتخاب، شباهت قطر رگ‌های خونی روی پا با رگ‌های گوش و نازکی پوست آن ناحیه بود که شرایط مناسبی برای تغذیه و ترمیم بافت فراهم می‌کرد.

عمل جراحی اولیه بیش از ۱۰ ساعت به‌طول انجامید. جراحان با استفاده از نخ و سوزن‌هایی نازک‌تر از موی انسان، رگ‌های خونی بسیار ریز گوش با فاصله ۰/۲ تا ۰/۳ میلی‌متر را به رگ‌های روی پا متصل کردند. روزهای نخست پس از عمل حیاتی بود، زیرا جریان خون به‌درستی برقرار نشده بود، اما پزشکان موفق شدند پیوند را تثبیت کنند و رنگ صورتی سالم به گوش بازگشت.

در طول ماه بعد، این زن گوش چپ خود را روی پایش حمل می‌کرد. او تنها کشش‌های گشاد می‌پوشید تا فشاری به گوش وارد نشود و با قدم زدن آهسته، گردش خون را حفظ می‌کرد. در این مدت، پوست پیوندی روی سرش نیز به‌تدریج ترمیم و برای جراحی نهایی آماده شد.

در ماه اکتبر، تیمی از جراحان تلاش کردند گوش را به محل اصلی خود بازگردانند، اما به‌دلیل پیچ‌خوردگی و آسیب‌دیدگی رگ‌ها و اعصاب در ناحیه سر، این کار بسیار دشوار بود. پزشکان مجبور شدند با استفاده از میکروسکوپ، بافت‌ها را لایه‌لایه باز کنند تا رگ‌ها و اعصاب سالم را بیابند و به گوش متصل کنند. پس از ه ماه دردناک، گوش چپ این زن سرانجام به جایگاه اصلی خود بازگشت و حالا گوش او سر جایش قرار گرفته است!

تهران زیر چتر باران

مروری بر مقاصد گردشگری شهری که در روزهای ابری و بارانی دیدنی‌تر می‌شوند

شده، حیف است در خانه بمانیم. تهران در این لحظات، پوسته خشک و رسمی‌اش را دور انداخته و لطیف‌ترین چهره‌اش را به نمایش گذاشته است. اما سؤال اینجاست: «کجا برویم که لذت این هوا دوچندان شود؟» برخی نقاط تهران، گویی برای همین روزهای ابری و بارانی طراحی شده‌اند؛ جاهایی که ترکیب معماری، طبیعت و بوی نم خاک، سکانشی سینمایی می‌سازد. در ادامه، ۶ نقطه طلایی تهران را معرفی می‌کنیم که باران، زیبایی‌شان را چندین برابر می‌کند و جان می‌دهند برای پیاده‌روی، عکاسی و تنفس هوای پاک.



پل طبیعت: تماشای شهر از میان ابرها

برای کسانی که عاشق چشم‌اندازهای مدرن هستند، پل طبیعت در روز بارانی تجربه متفاوت است. کف‌سازی چوبی پل وقتی خیس می‌شود، بوی جنگل می‌دهد. از فراز این پل، بزرگراه شش‌پایه رودی از نور به‌نظر می‌رسد و کوه‌های البرز که حالا کلاه‌ای از ابر و مه بر سر دارند، نمایان‌ترند. وزش باد خنک و قطرات ریز باران در این ارتفاع، حس پرواز در میان ابرها را تداعی می‌کند.



باغ فردوس: ضیافت تاریخی زیر باران

اگر می‌خواهید باران را در قابی تاریخی تماشا کنید، باغ فردوس بهترین انتخاب است. عمارت باشکوه موزه سینما با آن گنجینه‌های زیبا، وقتی خیس می‌شود، جلوه‌ای جادویی پیدا می‌کند. انعکاس تصویر عمارت در حوض‌های پر آب و قدم‌زدن روی سنگفرش‌های باغ، حس و حال فیلم‌های قدیمی را زنده می‌کند. اینجا می‌توانید بعد از کمی قدم‌زدن، در کافه‌های اطراف پناه بگیرید و از پشت پنجره بارش را تماشا کنید.



خیابان ولیعصر (عج): تونل چنارهای خیس

کلاسیک‌ترین و البته محبوب‌ترین گزینه، همیشه ولیعصر است؛ اما نه همه جای آن. حدفاصل پارک‌وی تا تجریش، وقتی باران می‌بارد، به یک دالان رویایی تبدیل می‌شود. چنارهای کهنسال در دو طرف خیابان مثل چترسری طبیعی عمل می‌کنند و صدای برخورد باران با برگ‌های زرد و نارنجی باقی‌مانده، موسیقی متن قدم‌ها بنان می‌شود. پیاده‌روهای عریض و بوی خاک نم‌خورده در این راسته، شما را از هیاهوی شهر جدا می‌کند.



پارک ملت: کلاسیک‌ترین قاب پاییزی

پارک ملت فقط یک بوستان نیست؛ شناسنامه پاییز تهران است. وقتی باران می‌زند، مسیرهای طولانی و پیچ‌درپیچ پارک که زیر چتر چنارهای بلند پنهان شده‌اند، به دالان‌های رویایی تبدیل می‌شوند. تماشای قطرات باران روی مجسمه‌های مشهور پارک و قدم‌زدن کنار دریاچه مصنوعی که حالا پرآب‌تر و مواج شده، حس زنده بودن به آدم می‌دهد. اینجا بوی خاک باران‌خورده و برگ‌های خیس، غلیظ‌تر از هر جای دیگر شهر است.



پارک ملت: کلاسیک‌ترین قاب پاییزی

پارک ملت فقط یک بوستان نیست؛ شناسنامه پاییز تهران است. وقتی باران می‌زند، مسیرهای طولانی و پیچ‌درپیچ پارک که زیر چتر چنارهای بلند پنهان شده‌اند، به دالان‌های رویایی تبدیل می‌شوند. تماشای قطرات باران روی مجسمه‌های مشهور پارک و قدم‌زدن کنار دریاچه مصنوعی که حالا پرآب‌تر و مواج شده، حس زنده بودن به آدم می‌دهد. اینجا بوی خاک باران‌خورده و برگ‌های خیس، غلیظ‌تر از هر جای دیگر شهر است.



پارک ملت: کلاسیک‌ترین قاب پاییزی

پارک ملت فقط یک بوستان نیست؛ شناسنامه پاییز تهران است. وقتی باران می‌زند، مسیرهای طولانی و پیچ‌درپیچ پارک که زیر چتر چنارهای بلند پنهان شده‌اند، به دالان‌های رویایی تبدیل می‌شوند. تماشای قطرات باران روی مجسمه‌های مشهور پارک و قدم‌زدن کنار دریاچه مصنوعی که حالا پرآب‌تر و مواج شده، حس زنده بودن به آدم می‌دهد. اینجا بوی خاک باران‌خورده و برگ‌های خیس، غلیظ‌تر از هر جای دیگر شهر است.



کوچه‌های شهر از کود لاجان تا مجازان

لذت باران‌گردی فقط در خیابان‌های اصلی نیست. باید در کوچه‌های آجری و قدیمی «عودلاجان» و «سنگلج» گم شد تا بوی خاک و تاریخ را استشمام کرد. یاد ر شیب‌های تند و باغ‌کوچه‌های «جماران» و «درکه» نفس تازه کرد. حتی قدم‌زدن در محله‌های دنج مرکز شهر زیر باران، عطر دیگری دارد. سکوت این دالان‌های خیس و تماشای ناودان‌های جاری، روایتی صمیمی و بدون زوئوش از تهران دارد.

خیابان باب‌هنا یون

اگر می‌خواهید طعم باران را با چاشنی تاریخ و غذاهای خیابانی بجشید، باب‌هنا یون مقصد شماست. سنگفرش‌های این پیاده‌راه زیر نور چراغ‌ها و بارش باران مثل جواهر برق می‌زنند و حال و هوای تهران قدیم را تداعی می‌کنند. اینجا می‌توانید زیر سایه‌بان دکه‌های سیار یک چای داغ یا غذای خیابانی بخورید و از تماشای انعکاس نور در گودال‌های کوچک آب و مردمی که با چترهای رنگی در رفت‌وآمدند، لذت ببرید.

کدام مداحی پایگاه ادبیات مقاومت است؟



علی ترابی امجری و روزنامه‌نگار دیدار ۲ ساعته مداحان را رهبر معظم انقلاب؛ همین عبارتی که در ابتدای پوشش خبرهای مربوط به مراسم روز پنجشنبه حسینه امام خمینی تکرار

شد، مفاهیم متعددی را در بردارد. نخست آنکه در شرایطی که برخی تلاش دارند کشور را زیر سایه جنگ نگه دارند و مدام به خبرسازی و برجسته‌کردن اخبار تحریکات پایگاه‌های دشمن می‌پردازند، زمان بالایی این دیدار حرف‌های بسیاری دارد. دوم، توجه رهبر معظم انقلاب اسلامی به مسئله مداحی و هیئت است. دیدار آیت‌الله خامنه‌ای با مداحان در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا(س) قدمتی ۴۰ ساله دارد و حتی پیش از دوران رهبری ایشان انجام می‌شده است. در دیدار اخیر هم قریب به ۲ ساعت از زمان دیدار، صرف استماع اجرای مداحان گر انقدر از سویی معظم‌له شد. این توجه به مقوله مداحی و اختصاص چنین زمانی از سوی عالی‌ترین مقام کشور که قطعاً برنامه‌ای فشرده دارند، در کنار قدمت ۴۰ ساله این دیدار نشان‌دهنده عظمت و بزرگی ظرفیت مداحی و به تبع آن هیئت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای است؛ نگاهی که سبب می‌شود رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان مرجع عالیقدر تشیع در هر سال ۱۰ شب روضه‌داری کنند و حتی در فاصله یک هفته‌ای پس از نبرد مستقیم با رژیم صهیونیستی، از اجرای آن صرف‌نظر نکنند. ژرف‌اندیشی رهبری نسبت به مقوله هیئت، سبب شده تا به پژوهش ویژه در حوزه مداحی توصیه فرمایند؛ هرچند پیش‌تر نیز به این مضمون اشاره داشتند که مداحی به‌عنوان رسانه اختصاصی جهان تشیع که مانند آن در هیچ جایی وجود ندارد، یک علم آمیخته به هنر است.

شاید در ایران مرز بین عزت‌اسلامی بلکه در پهنه گسترده‌االی جهان تشیع هیچ‌کسی به اندازه آیت‌الله خامنه‌ای، ارزش و جایگاه مداحی و ظرفیت‌های موجود در خاستگاه آن یعنی هیئت را نشناسد. صحبت از آن نگاهی است که مداحی را صرفاً تلاشی برای گریزاندن نمی‌داند، هرچند که آن هم ارزش‌والایی دارد، بلکه مداحی را پایگاهی برای ادبیات مقاومت قلمداد می‌کند که اگر این ادبیات نباشد، آن مفهوم هم مثل تمام تفکرانی که ادبیات خاص خود را ندارند محکوم به زوال است.

این نگاه به مقوله مداحی و هیئت برآمده از آن روایت حضرت امام جعفر صادق(ع) است که پس از ابراز ارادت آن معصوم نسبت به جلساتی که در آن ذکر اهل بیت صورت می‌گیرد، فرمودند: «فاحیوا امرنا» با این معنا که پس بروید امر ما را زنده کنید. از منظر این نگاه بین تمام ارکان و ادوات تبلیغاتی، «هیئت» کانون جهاد تبیین معرفی می‌شود تا در کنار پرداختن به امور مناسکی در یک گام فراتر به امور فرماناسکی بپردازد، در حوزه علم و پیشرفت کار کند، ظرفیت‌های امیدبخش را به جامعه معرفی کند و البته در امور اجتماعی اهل برگزاری اردوهای تربیتی و جهادی باشد. اما نکته پایانی این است که امروز مداحی که به تعبیر رهبری در دیدار اخیر ضامن زنده ماندن یاد شهدا طی سالیان پس از جنگ بود، حالا باید به روز باشد. نه فقط مداحی، که تمام ارکان رسانه‌ای جبهه حق باید با شناسایی آرایش جنگی دشمن در نبرد تبلیغاتی و رسانه‌ای آرایش متناسب با آن را اخذ کنند. توجه به این بخش از بیانات دیدار پنجشنبه با مداحان ناظر به همین نکته است. امید که جامعه بزرگ هیئتی کشور که خاستگاه مداحی است، بتواند با اسوه قرار دادن حضرت زهر(س) به‌خصوص در تبیین و جهاد روزه‌روز موفق‌تر باشد.

جشن سپید بام ایران



صبح دپرواز قله دماوند پس از بارشی شبانه، سرانجام رخت یکدست سپید خود را به تن کرد و در چشم‌اندازی زمستانی و خیره‌کننده رخ نشان داد. این قاب تماشایی که صدرا رفیع آن را ثبت کرده، نخستین بار در سال ۱۴۰۴ است که دیو سپید پای‌درین‌را با پوششی چنین کامل و یکپارچه از برف نشان می‌دهد؛ تصویری که نویدبخش پایان انتظار برای کوهنوردان و دوستداران طبیعت و مرهمی بر نگرانی‌های محیط‌زیستی این چند وقت است. حالا دماوند، دوباره همان نماد استوار و برفی است که می‌شناسیم.